خبر

نجات دو خواهر از زیر آوار

■ آتش‌نشانان دو خواهر را که در زیر آوار خاک و سنگ گرفتار شده بودند، نجات دادند. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران ساعت دو بامداد دیروز امدادگران به خیابان سراج رفتند تا افرادی را که در یک حادثه ریزش آوار گرفتار شده بودند نجات بدهند. علی امامی، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی به محل حادثه در این باره گفت: در این حادثه دیوار ساختمان مسکونی یک طبقه‌ای در مجاورت با قطعه زمینی که در آن عملیات گودبرداری انجام شده بود، فرو ریخت. وی افزود: آتش‌نشانان با بکارگیری تجهیزات ویژه ایمنی و نجات عملیات آواربرداری را آغاز کردند و پس از یک ساعت تلاش و جست‌وجو دو خواهر ۱۷ و ۲۶ ساله را که زیر آوار گرفتار شده بودند، سالم از زیر آوار خارج کردند. به گفته این فرمانده آتش‌نشانی، علت فرو ریختن ساختمان، رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام گودبرداری و سست بودن زمین و پی ساختمان است.

کلاهبرداری به بهانه اعزام به خارج

■ **گروه حوادث:** مردی که با دادن وعده‌های دروغین به افراد برای اعزام آنها به خارج از کشور اقدام به کلاهبرداری کرده بود، پس از سه ماه دستگیر شد. این متهم به متقاضیان مهاجرت وعده می‌داد با استفاده از نفوذش برای آنها در کشورهای اروپایی اقامت می‌گیرد و امکان اشتغال و ادامه تحصیل‌شان را فراهم خواهد کرد. این مرد پس از چند فقره کلاهبرداری میلیونی فراری شد و مالباختگان با شکایت از وی مشخصاتش را به پلیس اعلام کردند. پس از آن از متهم چهره‌نگاری شد و سه ماه تحقیقات پلیسی سرانجام به دستگیری وی انجامید. بنا به این گزارش متهم اکنون با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس دادسرای ناحیه ۱۰ تهران در بازداشت به سر می‌برد.

دستگیری دزدان جواهرات کودکان

■ **گروه حوادث:** دو سارق معتاد که اقدام به سرقت طلاهای دختربچه‌ها می‌کردند بعد از ۵۰ فقره دزدی دستگیر شدند. چندی پیش پدر و مادر دختر خردسالی به نام آرزو با مراجعه به پلیس آگاهی اصفهان در شکایتی گفتند چندی پیش وقتی آرزو در حال بازی کردن در خیابان بود، ۲ پسر جوان به زور اقدام به سرقت طلاهایش کردند و وی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. با شکایت خانواده دختربچه رسیدگی به موضوع در دستور کار ماموران مبارزه با سرقت پلیس آگاهی قرار گرفت. در حالی که تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت، چندین خانواده دیگر نیز که کودکانشان به همین شیوه مورد سرقت قرار گرفته بودند با مراجعه به پلیس از دزدان شکایت کردند. ماموران سرانجام پس از گذشت ۲ ماه از اولین شکایت موفق شدند سارقان را حین دزدی شناسایی و دستگیر کنند. با انتقال دو سارق به اداره آگاهی آنها اعتراف کردند با پرسه زدن در خیابان‌ها دختربچه‌های ۵-۶ ساله را که طلا به همراه داشتند شناسایی و بعد با بهانه‌های مختلف آنها را به مکانی خلوت منتقل و طلاهای آنها را سرقت می‌کردند. یکی از سارقان در اعترافاتش گفت: اگربچه‌ای در برابر خواست ما مقاومت می‌کرد با کتک و به زور طلاهایش را سرقت می‌کردیم. این در حالی بود که لاله گوش برخی از بچه‌ها نیز هنگام سرقت پاره می‌شد. بنا به این گزارش سرهنگ حسین‌زاده رییس پلیس آگاهی استان اصفهان درباره این پرونده توضیح داد: «متهمان تاکنون به ۵۰ فقره سرقت طلای کودکان اعتراف کرده‌اند.»

سرقت مقابل عابر بانک‌ها

■ **گروه حوادث:** سه سارق حرفه‌ای که پول افراد مسن را هنگام دریافت از عابر بانک سرقت می‌کردند به دام افتادند. سرهنگ «حسین حسین‌زاده» رییس پلیس آگاهی استان اصفهان در این باره گفت: در پی شکایت تعدادی از افراد مسن به پلیس آگاهی شهرستان نجف آباد مبنی بر سرقت وجوه نقد آنها هنگام برداشت از عابر بانک، موضوع به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت. این مقام انتظامی افزود: ماموران سرانجام با انجام گشت‌های ویژه در مقابل دستگاه‌های عابر بانک، روز جمعه سه نفر از سارقان را در مقابل یکی از عابر بانک‌ها شناسایی و دستگیر کردند. رییس پلیس آگاهی استان در ادامه با اشاره به اعتراف متهمان به چندین فقره سرقت از افراد مسن با شیوه کمین در مقابل عابر بانک هنگام دریافت وجوه نقد گفت: متهمان با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

۹۲۳ سال حبس مجازات کلاهبردار اماراتی

■ **گروه حوادث:** یک اماراتی به جرم کلاهبرداری به ۹۲۳ سال زندان محکوم شد. به گزارش «گلف نیوز» این حکم در پی رسیدگی به سه هزار و ۶۹۵ فقره شکایت علیه متهم اماراتی در دادگاه جنایی دوبی صادر شد. متهم که از سرمایه‌داران بزرگ اهل ودوبی است با تاسیس یک شرکت تحت نام «شرکت سرمایه‌گذاری البوم» اقدام به کلاهبرداری از هزاران نفر کرده است. مقامات قضایی مبلغ کلاهبرداری‌های البوم طی چند سال اخیر را بیش از ۹۰۰ میلیون درهم (۲۴۵ میلیون دلار) تخمین زده‌اند. اکنون به حکم دادگاه مدیر این شرکت به ۹۲۳ سال حبس محکوم شده است.

دختر جوان، قربانی اسیدپاشی خواستگار ناکام

متهم به قتل در دادگاه برای قصاص اعلام آمادگی کرد

گروه حوادث: پسری که مدعی است به خاطر عشق به دختری جوان او را با اسید به قتل رسانده روز گذشته در جلسه محاکمه جزییات انگیزه‌اش از این جنایت را شرح داد. به گزارش خبرنگار ما، این جوان که مدعی بود فقط قصد داشت مقتول را بترساند، در دادگاه او را دختری بی‌اخلاق معرفی کرد. در ابتدای این جلسه شفیعی نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و خطاب به قضات شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران گفت: قاسم متهم ردیف اول پرونده ۲۰ مرداد ماه جاری دختری جوان به نام لیلا را در اسلامشهر به قتل رسانده است. این مرد مدعی است عاشق لیلا بود و وقتی متوجه شد دختر جوان قصد ندارد با او ازدواج کند با اسید به سمتش حمله کرد. وی ادامه داد: آن‌طور که شواهد پرونده نشان می‌دهد این مرد دختر جوان را تعقیب کرده و بعد از اینکه او وارد خانه شده زنگ زده و با بیرون آمدن دختر جوان روی او اسید پاشیده و در نهایت موجب مرگ او شده است. نماینده دادستان درباره متهم ردیف دوم گفت: متهم ردیف دوم مجید نام دارد. وی در رساندن قاسم به محل جرم برای اسیدپاشی با او همکاری کرده است، بنابراین من به عنوان نماینده دادستان تهران تقاضای صدور حکم قانونی در این خصوص را دارم. در ادامه جلسه دادگاه پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهم تقاضای صدور حکم قصاص کردند. پدر لیلا درباره رابطه دخترش با متهم گفت: او از دخترم خواستگاری کرده و لیلا هم جواب رد به او داده بود. این مرد به دروغ ادعا می‌کند لیلا را دوست داشت. مگر فرد عاشق دست به قتل می‌زند و باعث از بین رفتن معشوقش می‌شود؟ اگر این مرد لیلا را دوست داشت از راه درست اقدام می‌کرد. اگر ما مخالفت می‌کردیم می‌توانست با او فرار کند نه اینکه اسید پاشی کند. پس از اظهارات اولیای دم قربانی مطلع پرونده در جایگاه حاضر شد. وی که پسر عموی متهم ردیف اول است گفت: من در یک کارخانه تولید روغن موتور کار می‌کنم و اسید یکی از موادی است که ما استفاده می‌کنیم. من تا به حال چند بار ی اسید برای همسایه‌ها برده‌ام. چند روز قبل از حادثه هم پسر عمویم قاسم از من خواست برایش اسید ببرم. من یک چهارلیتری اسید به او دادم. او به من گفت: اسید را برای باز کردن چاه توالت لازم دارد. وقتی داشتم اسید را به او می‌دادم خیلی سفارش کردم مراقب باشد حتی تذکر دادم گاز اسید کشنده است و نباید به این مایع نزدیک شود. او واقعیت را به من نگفت اگر می‌گفت من جلوی او را می‌گرفتم و هرگز به او اسید نمی‌دادم و خانواده‌اش را در جریان قرار می‌دادم. بعد از مطلع پرونده متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد. او گفت: اتهامم را قبول دارم. من لیلا را کشتم چون داشت منحرف می‌شد. متهم که دست‌ها و قسمت‌هایی از بدنش با اسید سوخته بود، گفت: شش سال بود که با لیلا رابطه داشتم. در این مدت همدیگر را می‌دیدیم، یک مدت کوتاهی این رابطه قطع شد اما دوباره به هم نزدیک شدیم. حدود ۱۱ ماه بود که رابطه ما خیلی جدی شده بود و لیلا و خواهرش به خانه ما رفت‌وآمد هم می‌کردند. تا اینکه من برای انجام کار به زاهدان رفتم. فکر می‌کردم لیلا به من وفادار است و مرا دوست دارد اما اشتباه می‌کردم او من را رها کرد. متهم ادامه داد: من عاشق لیلا شده بودم. او به خانه من رفت‌وآمد داشت و من فکر می‌کردم می‌توانم به عنوان همسر آینده‌ام به او فکر کنم. اگر زاهدان هم رفتم به خاطر این بود که بتوانم پولی به دست آوردم و با لیلا ازدواج کنم. وقتی برگشتم همه چیز عوض شده بود. لیلا دیگر به من توجه نمی‌کرد و می‌گفت مرا دوست ندارد و دیگر نمی‌خواهد با من باشد. چند روزی به این مساله فکر می‌کردم و برایم سوال بود که چرا چنین تصمیمی گرفته است تا اینکه از دیگران شنیدم او انحرافات اخلاقی پیدا کرده است. او فرد دیگری را می‌خواست و من برایش تکراری شده بودم. با این حال به گفته‌های دیگران توجهی نکردم و خودم لیلا را زیر نظر گرفتم و متوجه شدم ادعاها در مورد او واقعیت دارد. من باید کاری می‌کردم که لیلا دوباره به زندگی عادی برگردد. با او صحبت کردم ولی فایده‌ای نداشت و از من می‌خواست دیگر سراغش نروم. به لیلا گفتم در این مدت تو با من بودی و باید پاسخ بدهی چرا می‌خواهی این رابطه را قطع کنی اما او جوابی نمی‌داد و از من فرار می‌کرد من تهدیدش کردم و گفتم اگر به کارهایش ادامه دهد و از من دوری کند او را با اسید می‌سوزانم. باز هم توجهی نکرد. واقعیت این است که من هم نمی‌خواستم او را بسوزانم و فقط سعی داشتم او را بترسانم. به سراغ پسر عمویم رفتم و از او اسید خواستم. بعد سراغ دوستم مجید رفتم او موتور داشت، من به او گفتم مرا برساند قبول کرد. مجید در این اسیدپاشی نقشی نداشت و اصلا نمی‌دانست من چه نقشه‌ای دارم. وقتی مقابل خانه لیلا رسیدم و او داشت وارد خانه می‌شد در زدم. اطمینان داشتم که خودش در را باز می‌کند. وقتی در باز شد اسید را روی او ریختم و البته خودم هم سوختم. من این کار را انجام دادم و حالا هم هر تصمیمی خانواده‌اش بگیرند قبول دارم. سپس متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد او گفت: اتهامم را قبول ندارم من هیچ نقشی در اسیدپاشی نداشتم. من به خواسته قاسم همراه او رفتم و اصلا نمی‌دانستم او چه قصدی دارد. وقتی اسید را پاشید به او اعتراض کردم اما حرف‌های من دیگر فایده‌ای نداشت. بنا به این گزارش بعد از دفاعیات متهمان و وکلای مدافع آنها هیات قضات شعبه ۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

متهمان در دادگاه به قتل اعتراف کردند

پایان رابطه پنهانی با جنایت

گروه حوادث: دو مرد و یک زن جوان که نقشه قتل مردی میانسال را طراحی و اجرا کرده بودند در جلسه محاکمه رابطه پنهانی مقتول با زن جوان را انگیزه‌شان از ارتکاب این جنایت اعلام کردند.

به گزارش خبرنگار ما، هشتم آبان سال ۸۷ به افسران پلیس آگاهی شهرستان آباده خبر رسید مرد ۵۰ ساله‌ای به‌نام رسول در حاشیه یکی از خیابان‌های شهر کشته و جسدش رها شده است. زمانی که کارآگاهان پلیس آگاهی خود را به محل کشف جسد رساندند، ساعتی از قتل مرد نگون‌بخت گذشته بود. ردی از خون اطراف جنازه رسول را احاطه کرده بود و بریدگی‌های روی بدن وی نشان می‌داد بوسیله شیئی برنده به قتل رسیده است. افسران جنایی با جست‌وجوی محل حادثه و اطراف آن تلاش کردند تا کوچک‌ترین سرنخی از دیدشان پنهان نماند. در چنین شرایطی جسد به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای افشای راز قتل مرد میانسال در شاخه‌های مختلف ادامه یافت.

تحقیقات پلیس نشان می‌داد رسول مرد آرامی بود و هیچ کس با وی مشکلی نداشت. یکی از دوستان مقتول در این‌باره به پلیس گفت: از قتل رسول شوکه شدم. او مرد خوب و بی‌آزاری بود. دوستم با همه به خوبی رفتار می‌کرد و هیچ کس از او ناراضی نبود. اینها تمام نتایج تحقیقات پلیس نبود. وقتی افسران آگاهی درباره زندگی خصوصی مقتول تحقیق کردند به اطلاعاتی دست یافتند که از رابطه پنهانی او با یک زن جوان حکایت داشت. چند نفر به طور اتفاقی رسول را با این زن جوان دیده بودند و گفته‌های آنها نشان می‌داد رسول از افشای این رابطه پنهانی واهمه داشت. به همین دلیل تلاش می‌کرد این ماجرا را از دوستان و حتی نزدیکانش مخفی کند. تجزیه و تحلیل این اطلاعات به پلیس کمک کرد تا شاه‌کلید این ماجرا که همان زن جوان بود، شناسایی شود. کارآگاهان در این مرحله ترجیح دادند این زن، به‌نام سمیرا را مدتی به طور نامحسوس کنترل کنند. رفت و آمدهای این مظنون نشان می‌داد او علاوه بر رسول با دو مرد دیگر نیز رابطه دارد. به همین دلیل بررسی‌ها وارد فاز عملیاتی شد و ماموران سمیرا را همراه با دو مرد غریبه بازداشت کردند.

هنگامی که سه متهم تحت بازجویی قرار گرفتند دست داشتن در قتل رسول را انکار کردند. اما این پایان کار نبود و با ادامه بازجویی‌ها متهمان پشت پرده این جنایت را برملا کردند. سمیرا در این‌باره گفت: من از چندی قبل با رسول رابطه داشتم اما بعد از گذشت مدتی سجاد و سپهر به سراغم آمدند و گفتند باید به رابطه‌ام با رسول پایان دهم. ابتدا در برابر خواسته آنها مقاومت کردم اما وقتی با تهدیدهای‌شان روبه‌رو شدم تسلیم خواسته‌شان شدم و به رسول گفتم دیگر نمی‌خواهم با او در ارتباط باشم. او که از همه چیز بی‌خبر بود با شنیدن این حرف عصبانی شد و گفت تحت هر شرایطی می‌خواهد رابطه‌اش با من ادامه پیدا کند. وقتی سجاد و سپهر از حرف‌های رسول با خبر شدند، تصمیم گرفتند رسول را تنبیه کنند. به این ترتیب نقشه قتل او را طراحی و اجرا کردند.

در جریان بازجویی‌ها سجاد نیز گفت: رسول تفاوت سنی زیادی با سمیرا داشت و خود سمیرا نیز به رابطه با او راغب نبود اما از سر اجبار با این موضوع کنار آمده بود. وقتی فهمیدیم رسول با سماجتش تحت هر شرایطی می‌خواهد به رابطه‌اش با سمیرا ادامه دهد، تصمیم گرفتیم او را از سر راه برداریم. به این ترتیب با همدستی سپهر و سمیرا، رسول را به محل حادثه کشاندیم. وقتی رسول برای دیدن سمیرا به محل قرار آمد من و سپهر به استقبالش رفتیم و با چند ضربه چاقو او را مجروح کردیم. ضربه‌های ما طوری بود که تصور می‌کردیم رسول فقط مجروح می‌شود، اما چند روز بعد فهمیدیم او به دلیل خونریزی زیاد جان باخته است.

در شرایطی که سپهر نیز اظهارات سجاد را تایید می‌کرد پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای تصمیم‌گیری نهایی به شعبه پنج دادگاه کیفری استان فارس ارسال شد. در ابتدای جلسه محاکمه که هفته پیش برگزار شد نماینده دادستان به قرائت کیفرخواست پرداخت و با تشریح سیر تحقیقات پرونده خواستار مجازات متهمان شد. در ادامه اولیای دم نیز در چند جمله خواهان قصاص قاتلان رسول شدند. سپس نوبت به متهمان رسید تا در برابر اتهام قتل عمد از خود دفاع کنند. ابتدا سجاد در جایگاه قرار گرفت و با تکرار اظهارات قبلی‌اش رابطه رسول با سمیرا را انگیزه اصلی‌اش از مشارکت در قتل اعلام کرد. او گفت: سمیرا به ادامه رابطه‌اش با رسول راضی نبود و بارها از وی خواسته بود او را رها کند و دست از سرش بردارد. اما حرف‌های او فایده‌ای نداشت و من و سپهر وقتی چنین وضعیتی را دیدیم، تصمیم گرفتیم در این ماجرا دخالت کنیم. اگر رسول، سمیرا را رها می‌کرد، این اتفاق رخ نمی‌داد.

در ادامه این جلسه سمیرا و سپهر نیز به دفاع از خود پرداختند و با نظر قاضی ادامه رسیدگی به این پرونده به وقت دیگری موکول شد.

اخاذی بیمار تصادفی از جراح صورت

گروه حوادث: مرد شیادی که بعد از معالجه شدن توسط یک پزشک تصمیم گرفته بود از او اخاذی میلیونی کند در دومین مرحله از نقشه‌اش به دام افتاد. به گزارش خبرنگار ما، راز این اخاذی وقتی برملا شد که یک جراح صورت به دادسرای جنایی تهران رفت و مدعی شد یکی از بیماران سابقش او را تهدید کرده در صورتی که مبلغ ۵۰ میلیون تومان به وی ندهد جان خود و خانواده‌اش در خطر خواهد بود. این مرد در حالی که به شدت ترسیده بود به بازپرس محمد شهریاری گفت: سال گذشته جوانی به‌نام اشکان که در یک سانحه رانندگی صورتش مجروح شده بود به مطبم در منطقه سعادت‌آباد آمد تا با عمل جراحی صورت و بینی آسیب‌دیده‌اش را ترمیم کنم. من هم نهایت تلاشم را انجام دادم و با انجام چند عمل جراحی ظاهر اشکان مثل سابق شد و او نیز از نتیجه کارم کاملا راضی بود. شاکی ادامه داد: در مدتی که این بیمار به مطبم رفت و آمد داشت به بهانه‌های مختلف درباره وضعیت بد مالی خودش با من صحبت کرد. حرف‌های اشکان ادامه داشت تا اینکه در آخرین جلسه من که تحت تاثیر قرار گرفته بودم مبلغ سه و نیم میلیون تومانی را که به‌عنوان حق‌الزحمه دریافت کرده بودم به وی برگرداندم تا از این طریق به او کمکی کرده باشم. بعد از آن اشکان با خوبی و خوشی از مطبم خارج شد و دیگر خبری از او نداشتم تا اینکه پس از گذشت یک سال ناگهان تماس‌های تهدیدآمیزی با من گرفته شد. مرد غریبه من را تهدید و ادعا می‌کرد در صورتی که به خواسته‌هایش تن ندهم من و اعضای خانواده‌ام را می‌کشد. وقتی خوب به صدای مرد غریبه دقت کردم فهمیدم او اشکان است. تهدیدهای او روزگارم را سیاه کرده بود. هر شب وقتی به خانه می‌رفتم از سایه خودم هم می‌ترسیدم. از آن گذشته نگران خانواده‌ام بودم و در طول روز چندین مرتبه با آنها تماس می‌گرفتم تا از سلامتی‌شان مطمئن شوم. من که از تهدیدهای اشکان به شدت ترسیده بودم تسلیم خواسته او شدم و قبول کردم پولی را که می‌خواهد در اختیارش بگذارم. به این ترتیب یک روز اشکان در حالی که مدعی بود چند مرد مسلح منتظر دستور او هستند به مطبم آمد و یک فقره چک ۱۵ میلیون تومانی از من گرفت. مرد جراح ادامه داد: فکر می‌کردم با دادن باج ۱۵ میلیون تومانی تهدیدهای اشکان تمام می‌شود اما این تازه اول کار بود و مدتی بعد باز هم او با من تماس گرفت و این بار ۵۰ میلیون تومان خواست. آن زمان بود که به این نتیجه رسیدم بهترین راه برای خلاص شدن از شر اشکان کمک خواستن از پلیس است. در پی این اظهارات رسیدگی به پرونده به کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی سپرده شد. از آنجا که شاکی شماره تلفن و نشانی از مرد باج‌گیر نداشت ماموران تلاش کردند با استفاده از ترفندهای پلیسی به اطلاعاتی درباره اشکان دست یابند. ماموران در این مرحله تلاش کردند از چکی که شاکی به متهم داده بود به‌عنوان یک سرنخ استفاده کنند. از آنجا که چک ۱۵ میلیون تومانی در بانک نقد شده بود، کارآگاهان به شعبه بانک رفتند و با بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته تصویر متهم را به دست آوردند. این مدرک کافی بود تا در ادامه اطلاعات تازه‌تری درباره محل‌های تردد متهم افشا شود. اطلاعات موجود نشان می‌داد اشکان در حوالی میدان ونک زیاد دیده می‌شود. به همین دلیل افسران آگاهی به کمین وی نشستند. این مراقبت‌های نامحسوس سرانجام نتیجه داد و روز جمعه گذشته اشکان در دام پلیس گرفتار شد. هنگامی که متهم پشت میز بازجویی نشست به تهدید و اخاذی از مرد جراح اعتراف کرد و گفت: زمانی که به مطب شاکی رفت و آمد می‌کردم پی بردم او وضعیت مالی خوبی دارد.

به همین دلیل تصمیم گرفتم از او اخاذی کنم. تهدیدهای من همه در حد یک دروغ بزرگ بود. وقتی مرحله اول نقشه‌ام را با موفقیت اجرا کردم و موفق شدم مبلغ ۱۵ میلیون تومان از او اخاذی کنم تصمیم گرفتم با افزایش تهدیدهایم پول بیشتری به دست بیاورم. سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: در جریان تحقیقات تخصصی مشخص شد ادعای متهم در خصوص همدستی چند مرد مسلح با او فقط یک بلوف برای ترساندن مرد پزشک بود و چنین افرادی با او همکاری نداشتند. این مقام پلیس همچنین گفت: بررسی‌ها برای افشای دیگر جرایم احتمالی متهم ادامه دارد.

قصاص و حبس برای عاملان کشتار خانوادگی در گلسار رشت

گروه حوادث: سه نوجوان که در کشتاری خونین سه عضو یک خانواده را کشته بودند به قصاص و حبس محکوم شدند. طراح این نقشه خونین نوجوان ۱۶ ساله‌ای به نام شایان است. او که خانواده‌اش وضع مالی خوبی نداشتند از عموی ثروتمندش کینه داشت، به همین خاطر به دو برادر به نام‌های سجاد و سبحان که از دوستان صمیمی‌اش بودند پیشنهاد داد با انجام این جنایت سرقتی بزرگ را انجام بدهند. به این ترتیب سه متهم روز ۱۵ مهر به خانه عموی شایان واقع در منطقه گلسار رشت رفتند و به بهانه درخواست حمایت مالی برای طراحی یک نرم‌افزار وارد خانه شدند و پدر، پسر و مادر خانواده را کشتند. آنها همچنین یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، کارت سوخت، سه دستگاه گوشی همراه و چند فقره چک را نیز به سرقت بردند و چندی بعد در تلاش برای فروش چک‌های مسروقه به دام افتادند. سه متهم در بازجویی‌های مقدماتی جرم‌شان را گردن گرفتند. شایان در اعترافاتش گفت: از آنجا که عموی ثروتمندش به خانواده او کمک نمی‌کرد از وی نفرت داشت به همین دلیل هم نقشه قتل را طراحی کرد. سرانجام پرونده متهمان تکمیل و به دادگاه کیفری استان گیلان ارجاع شد. اولیای دم مقتول در جلسه دادگاه خواستار قصاص متهمان شدند. سپس شایان اتهام قتل عمویش به نام فرزاد و همسر وی به نام ساریه را قبول کرد و گفت: «آن شب وقتی به خانه عمویم رفتیم او هنوز به منزل بازنگشته بود. ما دست و پای ساریه و پسرعمویم پرهام را بستیم و آنها را زندانی کردیم. سپس عمویم با جعبه شیرینی به خانه آمد و ما موضوع را به او گفتیم و ۲۰ میلیون تومان پول نقد خواستیم اما او گفت در خانه پول ندارد و در محل کارش هشت میلیون تومان نقد دارد که حاضر است آن را به ما بدهد. در این هنگام بین ما درگیری ایجاد شد و ما او را زدیم و او را در وان حمام انداختیم و سرش را زیر آب گرفتیم تا خفه شود بعد پرهام و ساریه را هم کشتیم. در آخر دوباره در حمام با چاقو ضربه‌ای به گلوی عمویم زدیم و هر سه جسد را در وان رها و فرار کردیم.» در این جلسه سجاد نیز مشارکت در قتل‌ها را قبول کرد اما سبحان گفت در آدم‌کشی نقشی نداشت. او ادعا کرد فقط برای گرفتن پول با دو متهم دیگر همراه شد و زمان قتل برای کشیدن سیگار به حیاط خانه مقتولان رفته بود. در نهایت اتهام مشارکت در سه فقره قتل توسط شایان و سجاد و اتهام معاونت در این قتل‌ها توسط سبحان- برادر سجاد- محرز تشخیص داده شد و دو متهم نخست به قصاص محکوم شدند. همچنین هیات قضات متهم ردیف سوم را مستحق حبس دانستند. در همین حال فارس دیروز به نقل از یک منبع آگاه خبر داد: برای پسر متهم به معاونت در قتل‌ها مجازات حبس ابد در نظر گرفته شده است.

حادثه‌ها

رییس کل دادگستری استان اردبیل:

چند سوداگر مرگ به‌زودی در ملاء عام اعدام می‌شوند

■ رییس کل دادگستری استان اردبیل با اعلام این خبر که «احکام اعدام چند سوداگر مرگ به‌زودی در این استان در ملاء عام اجرا خواهد شد»، تاکید کرد: دستگاه قضایی با تمام اقتدار، با جرایم مرتبط با موادمخدر مبارزه خواهد کرد. به گزارش ایسنا، غلامعلی رضایی گفت: «موادمخدر ام‌الفساد و ریشه اکثر جرایم است و ما با تمام توان و اقتدار با سوداگران مرگ به‌ویژه دانه‌درشت‌ها برخورد خواهیم کرد. وی ادامه داد: به‌زودی احکام اعدام چند سوداگر مرگ دانه‌درشت را در ملاء عام اجرا خواهیم کرد.» در همین حال محمدباقر الفت رییس کل دادگستری استان خوزستان نیز با بیان اینکه سال گذشته بیش از ۴۰ نفر از قاچاقچیان مواد مخدر اعدام شده‌اند و این کار با جدیت ادامه خواهد یافت، ادامه داد: دستگاه قضایی در سال گذشته محاکمات بسیاری را با صلابت و به‌موقع انجام داد و در بخش مبارزه با موادمخدر صنعتی و روان‌گردان‌ها نیز که امروزه بیشترین آسیب را به جوانان وارد می‌کند، اقدامات مناسبی انجام شده است. این مقام قضایی با اشاره به اقدامات دادستانی کل کشور گفت: با پذیرفتن پرونده‌های موادمخدر به صورت یک‌جا در دادستانی‌ها، روند برخورد در دستگاه قضایی به خوبی طراحی شده و استان‌های مرزی کشور برای عوامل توزیع و قاچاق موادمخدر، ناامن شده‌اند. الفت گفت: مسیرهای ورود و انتقال مواد مخدر دایما در حال تغییر است و این تغییرات ناشی از برخوردهای جدی دستگاه قضایی است و فرآیند دادرسی بسیار مثبت و موثر است. وی افزود: کمیسیون عفو استان حتی با یک مورد عفو محکومان مواد مخدر موافقت نکرده و قصد موافقت هم ندارد.

خودکشی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شریف

■ روابط عمومی دانشگاه صنعتی شریف از خودکشی یکی از دانشجویان دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف خبر داد. به گزارش ایسنا در این اطلاعیه آمده است: مهدی علی‌آقایی دانشجوی کارشناسی ارشد ورودی سال ۱۳۸۷ بود که بنا به اظهارات خانواده وی، در هفته‌های اخیر دچار برخی مشکلات عاطفی شده بود. این دانشجو شامگاه پنجشنبه گذشته به زندگی‌اش پایان داد.

تعمیرکاران تلویزیون سارق از آب در آمدند

■ **گروه حوادث:** افرادی با عنوان تعمیرکار تلویزیون به منزل زنی در کرج رفتند و اموال قیمتی‌اش را به زور به سرقت بردند. چند روز قبل سرقت از یک خانه در خرمدشت کرج به ماموران گزارش و در تحقیقات مقدماتی مشخص شد زن خانه‌داری دو روز قبل از حادثه به علت خرابی تلویزیونش با نمایندگی شرکت سازنده آن تماس گرفته و درخواست تعمیرکار کرده بود و پس از دو روز دو نفر با معرفی خود به عنوان تعمیرکار به منزل وی مراجعه و با تهدید و ارعاب اقدام به سرقت مقادیری طلا و ۵۰ هزار تومان وجه نقد کردند و متواری شدند. هنگامی که ماموران با کمک مالباخته از سارقان چهره‌نگاری کردند متوجه شدند یکی از آنها شباهت زیادی به یک سارق سابقه‌دار دارد. به این ترتیب مشخصات این متهم در اختیار واحدهای گشت قرار گرفت و این متهم و همدستش حدود ۱۲ ساعت بعد از انجام دزدی به دام افتادند و به جرم خود اعتراف کردند.

سرقت فرش توسط شرکت قلابی قالیشویی

■ **گروه حوادث:** مدیر یک شرکت قالیشویی قلابی به جرم سرقت ۱۲ تخته فرش دستگیر شد. «سرهنگ خیرخواهان» فرمانده انتظامی شهرستان شهریار با اعلام این خبر افزود: ماموران پلیس آگاهی در پی دریافت شکایتی مبنی بر اینکه شخصی در قالب یک شرکت قالیشویی، ۱۲ تخته فرش را از شهروندی سرقت کرده است به تحقیق در این‌باره پرداختند. وی گفت: اکیپی از ماموران پلیس آگاهی با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق به شناسایی محل شرکت در صفادشت شدند و با هماهنگی مقام قضایی، مدیر شرکت را دستگیر کردند. او در بازجویی‌های پلیسی به جرم خود اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

سارق حرفه‌ای در نقش توریست هندی

■ **گروه حوادث:** سارق سابقه‌داری که با معرفی خود به عنوان توریست هندی ده‌ها فقره سرقت انجام داده بود به زندان افتاد. این پرونده با شکایت یک مرد مسافر کش در دادسرای ناحیه یک تهران به جریان افتاد. مرد مالباخته در اظهاراتش گفت: «مردی را به عنوان مسافر سوار خودروام کردم. او خودش را هندی معرفی کرد و گفت به تازگی به ایران آمده و می‌خواهد پول ایرانی‌ها را ببیند. برای همین از من خواست اسکناس‌های مختلف را به او نشان بدهم. شاکی افزود: من چند اسکناس و ایران چک به مبالغ مختلف به توریست هندی نشان دادم و بعد در جیبم گذاشتم. پس از آن مسافر هنگام پیاده شدن از خودرو با حالتی مشکوک به من نزدیک شد تا صندلی‌اش را درست کند. او پس از این حرکت بلافاصله پیاده و متواری شد. بعد از آن متوجه شدم آن مرد سارق بوده و با فریب من و معرفی خود به عنوان توریست خارجی پول‌هایم را دزدیده است. پس از ثبت شکایت و بررسی چند شکایت مشابه دیگر متهم که فردی سابقه‌دار بود از طریق چهره‌نگاری دستگیر شد و در بازجویی‌ها به ده‌ها فقره سرقت با این ترفند اقرار کرد و روانه زندان شد.